

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۰/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۰۳

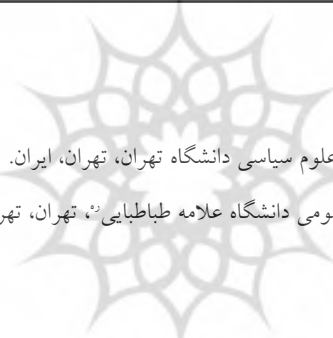
مقایسه تطبیقی محدودیت‌های حاکم بر آزادی مطبوعات در نظام حقوقی ایران و انگلستان

۸۹

فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

احمد مومنی راد^۱

آرین پتفت^{۲*}



۱- استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

آزادی مطبوعات در نظام حقوقی ایران، اولین بار در قانون اساسی مشروطیت به رسمیت شناخته شد و بعد از آن، مانند نظام حقوقی انگلستان، از طریق وضع قانون محدودیت‌های قانونی بر این آزادی اعمال شد. در نظام حقوقی کامن لاء، با توجه به نبود قانون اساسی نوشته و مدون و عرفی انگلستان، سند تضمین کننده آزادی مطبوعات را می‌توان کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دانست. الزامات اولیه ممنوعیت‌های انتشار، و نیز چارچوب‌های خاص در هر یک از دو کشور ایران و انگلستان وجود دارد که به صورت قواعدی الزام‌آور حقوقی، آزادی مطبوعات را محدود به موازین قانونی کرده‌اند. در این مقاله به تفصیل به این موضوع پرداخته میشود تا شناخت کاملی از آزادی مطبوعات و چارچوب‌های آن در دو نظام حقوقی به دست آید و هم با بررسی تطبیقی این موضوع ویژگی‌های حقوقی دو نظام بیشتر نمود پیدا کند.

کلید واژه‌ها: آزادی مطبوعات، نظام حقوقی ایران، نظام حقوقی انگلستان، آزادی بیان، آزادی‌های عمومی، محدودیت‌های آزادی مطبوعات.

آزادی مطبوعات به عنوان یکی از آزادی‌های عمومی همواره مورد توجه حقوقدانان و به دنبال آن قوانین کشورها بوده است. به طور کلی موضوع آزادی‌های عمومی بررسی حقوق و آزادی‌هایی است که از سوی قدرت عمومی برای افراد کشور به رسمیت شناخته شده است؛ از جمله این آزادی‌ها، آزادی مطبوعات است که عمدتاً آن را عدم دخالت قدرت سیاسی در مطبوعات جز در حدود چارچوب‌های قانونی میدانند، در واقع آزادی مطبوعات، آزادی همراه با مسئولیت در حوزه عملکرد مطبوعاتی است. آزادی مطبوعات، در معنای وسیع خود اکنون به عنوان "آزادی اطلاعات" یا "آزادی ارتباطات" معرفی می‌گردد. آزادی مطبوعات به نوعی از ابزار نظارتی مردم بر قدرت حاکم می‌باشد و اساساً این آزادی، نه یک مانع بلکه شرط بقای دولتی لایق و لازمه توسعه پایدار است و هر چه این آزادی در کشورها بیشتر باشد، کنترل فساد آسان تر خواهد بود. به تعبیر پپیا نوریس، آزادی مطبوعات ابزاری است که مانند یک سگ نگهبان، مانع دولت در سوء استفاده از قدرت است. از منظر سیاسی، آزادی مطبوعات در جوامع دموکراتیک نه فقط موجب برجستگی نقش نظارتی مردم و عینیت یافتن حق حاکمیت ملی می‌گردد، بلکه ساختار سیاسی موجود را با استفاده از خرد سنجشگر و ذهن نقاد اندیشگران، به یک موجودیت ارگانیک دائماً در حال رشد و پویا مبدل می‌سازد و علاوه بر این، تلقی حاکمیت از مطبوعات به عنوان آئینه غلط گیر جامعه، خود تضمین کننده شناخت صحیح و دقیق کارگزاران سیاسی از جریانهای شکل گرفته در بستر جامعه می‌شود.

در این مقاله به بررسی تطبیقی آزادی مطبوعات در قوانین کشورهای ایران و انگلستان می‌پردازیم به گونه ای که در ابتدا به تحلیل حقوقی آزادی مطبوعات در این دو کشور پرداخته (گفتار اول) و سپس محدودیتهای وارد بر این آزادی را در قوانین این دو کشور مشخص کرده (گفتار دوم) و در نهایت به نتایجی دست می‌ایم (نتیجه گیری).

بخش اول "تضمین آزادی مطبوعات"

در قانون اساسی ایران، اصل بیست و سوم، در جهت تضمین آزادی اندیشه، چنین مقرر میدارد: ((تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمیتوان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد))؛ این وجه تضمینی، بگونه ای آزادی عقیده بطور مطلق است، اما آزادی بیان در مطبوعات در اصل بیست و چهارم قانون اساسی ذکر شده که بدین ترتیب است: "نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام

یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین میکند " در اینجا یک نکته بسیار اهمیت دارد و آن اینکه آزادی مطبوعات، مطلق نیست و محدود به عدم اخلال در مبانی اسلام و حقوق عمومی است؛ تفصیل حدود این چارچوب‌ها، و اینکه چه اقداماتی اخلالگر مبانی اسلام و یا حقوق عمومی است با قانون است؛ در ایران قانون مطبوعات و آیین‌نامه اجرایی آن تصویب شد تا هم حدود و چارچوب‌های این آزادی را معین نماید و هم راهکاری برای تحقق هر چه بهتر این آزادی باشد. در قانون مطبوعات ایران ابتدا به تعریف مطبوعات در ماده ۱ پرداخته شده تا حدود شمول این قانون مشخص شود؛ طبق این ماده "مطبوعات در این قانون عبارت‌اند از نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر این‌ها منتشر می‌شوند" و در ارتباط با نشریات الکترونیکی نیز تبصره ۳ این ماده اشاره میکند که "کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است." بنابراین آزادی مطبوعاتی که مد نظر این اصل قانون اساسی است، آزادی مطبوعات به معنای خاص آن است و تضمین آزادی مطبوعات به معنای عام به غیر از نشریات، به اصل یک صد و هفتاد و پنجم واگذار شده است که مطابق این اصل "در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد". و همچنین قانون صدا و سیما و آیین‌نامه اجرایی آن نیز تصویب شده است که راهکار اجرایی شدن آن در راستای تضمین این آزادی، میباشد. بنابراین در نظام حقوقی ایران، آزادی مطبوعات به معنای عام آن تضمین شده است.

بسیار مشهور است که بریتانیا قانون اساسی نوشته ندارد؛ با این حال نظام، حقوقی و سیاسی بریتانیا با اصول اساسی خاصی شکل گرفته است. کشور بریتانیا در سال ۱۹۵۲، عضو کمیسیون اروپائی حقوق بشر گشت. تا به حال، دولت بریتانیا جایگاه این کنوانسیون را فراقانونی تعیین کرده و قوانین داخلی را در صورت مشاهده مغایرت با قواعد کنوانسیون مذکور، اصلاح کرده است؛ فراقانونی بودن کنوانسیون بطور کلی از زمانی آغاز شد که دادگاه اروپائی حقوق بشر، بر علیه دولت بریتانیا بدلیل تخلف از آزادی بیان که مربوط به قانون اخلال در نظم دادگاه میشد، حکم کرد که در نهایت پارلمان بریتانیا، پذیرفت تا قانون اخلال در نظم دادگاه را مطابق قواعد کنوانسیون اروپائی حقوق بشر تصویب نماید؛ مبنای این برتری را میتوان در قانون حقوق بشر انگلستان مصوب سال ۱۹۹۸ ملاحظه کرد: مقامات عمومی نمیتوانند بر خلاف کنوانسیون (حقوق بشر اروپایی) قانون وضع نمایند. بنابراین با توجه به فراقانونی بودن کنوانسیون اروپائی حقوق بشر برای نظام حقوقی

انگلستان، ماده ۱۰ کنوانسیون مذکور می تواند مبنای تضمین آزادی بیان (از جمله نوع مطبوعاتی آن) در این کشور باشد. ماده ۱۰ کنوانسیون اروپائی حقوق بشر مقرر می دارد:

۱- هرکس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل داشتن عقیده و دریافت و انتقال اطلاعات و عقاید بدون دخالت مقامات عمومی و بدون ملاحظات مرزی خواهد بود. این ماده مانع از مجوز الزامی دولت ها برای صدا و سیما و سیماها نخواهد بود.

۲- اعمال این حق با توجه به وظایف و مسئولیت های آن باید تابع تشریفات، شرایط، محدودیت ها و مجازات های خاص باشد که بموجب قانون وضع شده است و در جامعه دموکرات با توجه به امنیت ملی، تمامیت مرزی، امنیت عمومی، منع جرائم و تخلفات، حمایت از اخلاق و سلامت، حمایت از حیثیت یا حقوق دیگران، حمایت از منع افشای اطلاعات محرمانه اشخاص، حفظ اقتدار یا بی طرفی قوه قضائیه الزامی است.

علاو بر لزوم وجود قانونی راجع به مطبوعات مطابق آنچه در بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون فوق آمده ، دولت بریتانیا هیچگاه یک قانون جامع در ارتباط با مطبوعات نداشته است . قواعد حاکم بر فعالیت های مطبوعاتی در بریتانیا شامل قوانین و مقررات و رویه قضائی پراکنده میباشد . برای مثال، قانون اخلال در نظم دادگاه در قسمت هایی قواعد قانونی خاصی در زمینه دخالت مطبوعات در دادگاهها دارد. دلایل مختلف بسیاری وجود دارد که چرا قواعد حقوقی حاکم بر مطبوعات تحت یک نظام قانونی واحد تنظیم نشده است ؛ قانون در بریتانیا همواره مطابق مسائل مطبوعاتی بصورت تدریجی در بکارگیری حقوق ناشی از آن سیر متغیری داشته است و این بدلیل شیوه عرفی نظام حقوقی انگلستان و به روز شدن آن بر اساس مسائل مستحدثه میباشد ؛ دلیل دیگری که میتوان به آن اشاره کرد، نظام وحدت انضمامی موجود در بریتانیا است که مانع از وضع یک قانون کلی حاکم بر مطبوعات آن میگردد چراکه مقتضای منطقیهای آن، قواعد خاص و متفاوتی را می پذیرد. اگرچه قوانین و مقررات پراکنده بسیاری، نظام حقوقی مطبوعات این کشور را شکل می دهد که مهمترین آن قانون فعالیت مطبوعاتی که توسط کمیته منتخب روزنامههای برگزیده ، تهیه شده بود و به تصویب کمیسیون شکایات مطبوعاتی رسید ؛ این قانون اصول کلی را مقرر میدارد که نویسندگان و روزنامه نگاران را بسمت قواعد اخلاقی و قانونی منظمی هدایت می نماید ؛ این قانون علاوه بر پیش بینی قواعدی راجع به حوزه خصوصی افراد و مضامین اخلاقی، محدوده

عملکرد مطبوعاتی را در حیطه منافع عمومی، حقوق کودکان و امثالهم ترسیم می نماید؛ این قانون به نوعی تضمین کننده آزادی مطبوعات است؛ همچنین در سال ۲۰۰۰، پارلمان بریتانیا با تصویب قانون آزادی اطلاعات، دسترسی به اسناد دولتی را برای اشخاص تسهیل نمود که بگونه ای دسترسی اشخاص و سازمان ها به گزارشات، اسناد و مدارک نهادها و مقامات دولتی را تضمین مینمود. مجموع کنوانسیون حقوق بشر اروپایی و دو قانون فعالیت مطبوعاتی و آزادی اطلاعات، اسناد تضمین کننده آزادی بیان، آزادی مطبوعات و آزادی اطلاعات، در دولت بریتانیا میباشد.

در ایران، قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات تضمین کننده آزادی اطلاعات و تعیین کننده حدود و چارچوب های آنست. در قانون مطبوعات ایران، آزادی بیان و آزادی اطلاعات و آزادی مطبوعات در فصل سوم، تحت عنوان حقوق مطبوعات، تضمین شده است؛ مطابق ماده ۳ این قانون مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادات، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند؛ و نیز کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است؛ و هرگونه اعمال فشار یا سانسور بر مطبوعات را ممنوع اعلام کرده است؛ بنابراین مجموع قانون اساسی و دو قانون مطبوعات و آزادی دسترسی به اطلاعات، اسناد تضمین کننده آزادی بیان، آزادی مطبوعات و آزادی اطلاعات، در کشور جمهوری اسلامی ایران میباشد. نکته مورد اهمیت دیگر در حوزه آزادی مطبوعات، لزوم داشتن هدف مشخص توسط نشریات است و این هدف باید در راستای منافع جامعه باشد. از دیدگاه امام خمینی (ره): "مطبوعات باید زبان اعتراض مردم به عملکردهای نادرست قدرت عمومی باشد، به فرمانروایان گوشزد کنند که در فلان موضع از اصول قانون اساسی و مسیر انقلاب اسلامی خارج شده اند، نه آنکه خود ابزار دست قدرت سیاسی واقع شوند، این دیگر "روزنامه کشوری و ملی" نخواهد بود و از نظر افکار عمومی مندرجات آن ارزش خواندن را نخواهد داشت، چه آنکه نمی توان آن را رکنی از ارکان دموکراسی یک کشور تلقی کرد. ولی این نحوه فعالیت مطبوعاتی را باید از آن فعالیت مطبوعاتی که در صدد تضعیف بنای قدرت سیاسی است، متمایز کرد. ...)) . بنابراین نگاهی به قانون مطبوعات ایران می اندازیم (با توجه به اینکه تاکید این مقاله بر آزادی مطبوعات به معنای خاص آنست). ماده ۲ این قانون جهت تبیین دقیق آزادی مطبوعات، اهداف مطبوعات را مشخص مینماید که مطابق آن، هدف مطبوعات بایستی حداقل یکی از اهداف زیر باشد و نیز بگونه ای که با اهداف دیگر در تضاد نباشد: الف - روشن ساختن

افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه مورد اشاره در ماده یک. ب - پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است. ج - تلاش برای نفی مرزبندی های کاذب و تفرقه انگیز و قرار ندادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر، مانند دسته بندی مردم بر اساس نژاد، زبان، رسوم، سنن محلی و... د - مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری (اسراف، تبذیر، لغو، تجمل پرستی، اشاعه فحشا و ..) و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضائل اخلاقی. ه - حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی و نه غربی .

در کشور انگلستان، تاریخ مطبوعات بطور عمیقی با گسترش دولت لیبرال دموکرات و ظهور سرمایه خصوصی و اقتصاد بازار در هم تنیده است. در حقیقت آنچه بطور کلی به عنوان یک هدف در نظام حقوق مطبوعات کامن لا شکل گرفته است، تضمین آزادی بیان است. اما در این مورد قوانین نوشته مسکوت است .

هرگونه آزادی باید به همراه مسئولیت باشد و بطور کلی، این مسئولیت، تضمین کننده عدم سوء استفاده از آن آزادی میباشد؛ این موضوع در مورد آزادی مطبوعات هم صدق میکند چراکه نقش نشریات در هر کشور از هر امری بالاتر است. روزنامه ها و مجلات می توانند که یک کشوری را رشد بدهند و به راهی که صلاح کشور است، هدایت کنند و می توانند به عکس عمل کنند. مطابق نظر امام خمینی (ره)، اگر در مطبوعات بخواهند باز به پشتیبانی از جنایتکاران و خیانت کاران چیزی بنویسند، این مطبوعات ما نیست این خیانت است برای آنکه چنین منظوری حاصل شود قلم باید دست اشخاص صالح و دست افاضل باشد، وقتی که قلم دست اراذل افتاد مفسده ها زیاد خواهد شد. لذا برای ممانعت از هرگونه سوء استفاده از آن و نیز حفظ حریم قانونی آن، قواعد محدود کننده ای بر این آزادی ها اعمال شود .

الزامات اولیه فعالیت مطبوعاتی

این نوع الزامات به ابتدای فعالیت مطبوعاتی باز میگردد و به دو طریق اعمال میشود :

الف) مجوزهایی که شخص برای بیان سخنانش به هر نحوی ملزم به اخذ آنست مانند مجوز فعالیت نشریه ؛ که عمدتاً این نوع از الزامات اولیه بیشتر مورد تاکید است . ب) اعمال محدودیتهای موقتی از جانب دادگاهها مانند محرومیت از بعضی حقوق اجتماعی از جمله فعالیت خاص مطبوعاتی. عده ای از حقوقدانان معتقدند که مجوز های الزامی برای شروع فعالیت مطبوعاتی، از جمله ابزار تضعیف روزنامه نگاران و خبرنگاران توسط دولت میباشد و تنها در صورتی صحیح بنظر میرسد که برای تعیین

اشخاص صالح برای چنین فعالیتهایی، باشد و همچنین این مجوزهای اجباری از جمله ابزار اعمال سانسور بر مطبوعات است. اما اکثریت قریب به اتفاق حقوقدانان الزامی بودن مجوز انتشار را امری بدیهی در قواعد حقوقی می دانند چراکه داشتن حق انتشار منوط به داشتن اهلیت و صلاحیت شخص خواستار این حق است و برای شناخت چنین حقی برای اشخاص می بایست اهلیت و نیز صلاحیت حقوقی آن شخص توسط مرجع قانونی تایید شود تا از انتشار مطالب خلاف قانون و خلاف واقع ممانعت به عمل آمده و پیشگیری شود. بنابراین انتشار مطالب بدون مجوز قبلی امری غیر عقلانی بوده و موجب هرج و مرج میگردد. اما بطور کلی در ارتباط با اخذ مجوز، وضعیت انتشار مطبوعات در کشورهای مختلف جهان را می توان در قالب چهار نظام تقسیم بندی کرد:

الف. انتشار آزاد؛ بر اساس این نظام، اخذ مجوز قبلی، تسلیم اعلام نامه یا ثبت نام در دفتر خاص برای انتشار نشریه، لازم نیست. ب. اعلام نامه ای؛ در این نظام، انتشار مطبوعات نیازمند اعلام قبلی به مقامات حکومت است؛ اما برای انتشار لازم نیست که منتظر اعلام نظر مقامات مذکور باشند. ج. انتشار با ثبت؛ بر این اساس متقاضی انتشار نشریه باید درخواستی کامل، مشتمل بر برخی مشخصات؛ مثل عنوان، زبان، محل نشر، اهداف، برنامه ها و ... را به مرجع دولتی که قانون مشخص کرده، تقدیم نماید و بعد از ثبت نشریه به انتشار پردازد. بر اساس این نظام، که در بیشتر کشورهای کنونی رایج است، مرجع قانونی چنانچه مفاد تقاضا نامه را مخالف حقوق و آزادی های رسانه ای نداند و نشریه ای هم با آن نام ثبت نشده باشد، به ثبت نشریه می پردازد. د. انتشار با مجوز؛ بر اساس این نظام، انتشار نشریه نیازمند اخذ مجوز از مقامات دولتی است و تا قبل از صدور مجوز، انتشار نشریه ممنوع و جرم است. این نظام در کشور ایران هم اکنون رایج است. الزامات اولیه در انگلستان تحت عنوان مجوز اجباری مطبوعات جهت هر گونه انتشار، در سال ۱۶۶۲ با وضع قانون مجوز فعالیت مطبوعاتی ایجاد شد که از چاپ و انتشار بیرویه مطالب و گاهاً غیر واقع جلوگیری مینمود. اما با مخالف شدید مردمی و پارلمانهای دوره های بعد نسبت به این قانون، از حیث نقض آزادی مطبوعات و ترویج سانسور گرایی دولتی، در نهایت در سال ۱۸۶۳ پارلمان بریتانیا، قانون مذکور را لغو کرد. اما به هر ترتیب، فعالیت مطبوعاتی در بریتانیا تابع بعضی مجوزهای خاص میباشد از جمله مهمترین آنها، مجوز دخالت در مکانهای خصوصی است که تابع نظام حقوقی خاصی است برای مثال در بریتانیا، روزنامه نگاران می بایست جهت کسب مجوز دخالت در مکان های غیر عمومی بیمارستان ها یا مکان های مشابه برای پرس و جو قبل از هر اقدامی تعیین هویت شوند.

الزامات اولیه در ایران، شامل مجوز انتشار و نیز دارا بودن شرایط حقیقی و حقوقی متقاضیان استفاده از ابزار مطبوعاتی از جمله نشریات، است. مطابق بند الف ماده ۷ قانون مطبوعات، چاپ و انتشار نشریه ای که پروانه برای آن صادر نشده و یا پروانه آن لغو گردیده و بابه دستور دادگاه به طور موقت یا دائم تعطیل گردیده است، ممنوع و جرم محسوب می-شود؛ بنابراین مشخص است که هر دو الزامات اولیه نظام حقوقی آمریکا (مجوز اجباری، محدودیت موقتی) در نظام حقوقی ایران نیز وجود دارد؛ همچنین مطابق ماده ۹ قانون مطبوعات، شرایط خاصی برای متقاضیان حقیقی و حقوقی استفاده از مطبوعات معین شده است که برای اشخاص حقیقی عبارتند از داشتن تابعیت، حداقل ۲۵ سال سن، عدم حجر و ورشکستگی به تقلب و تقصیر، عدم اشتها به فساد اخلاقی و محکومیت کیفری، داشتن صلاحیت علمی در حد لیسانس، پایبندی و التزام عملی به قانون اساسی و برای اشخاص حقوقی نیز عبارتند از ثبت قانونی شخصیت حقوقی و داشتن جواز انتشار نشریه در اساسنامه یا قانون تشکیلشان، و نیز مرتبط بودن فعالیت نشریه با زمینه فعالیت شخص حقوقی است.

بخش دوم - محدودیت های آزادی مطبوعات در ایران و انگلستان

آزادی مطبوعات امری مطلق نیست و به گفته "هوک" آزادی مطبوعات در جایی که هستی کشور در معرض تهدید قرار گرفته یا جایی که آزادی رسانه های خبری با حقوق و آزادی های دیگر مقرر در قانون اساسی تعارض پیدا کند، باید محدود شود؛ که در همین راستا حدود و چارچوبهایی برای این نوع از آزادی در نظر گرفته شده است. در واقع، دولت ها هر موقع که مصالح مهم تری مثل رعایت نظم و امنیت عمومی ایجاب کند، در تحدید آزادی مطبوعات، لحظه ای به خودشان تردید راه نمی دهند. در این قضیه تفاوتی هم بین نظام های دمکراتیک و حقوق بشری یا همان نظام های غربی با کشورهای به اصطلاح پیرامونی و جهان سومی وجود ندارد. اتفاقاً تجربه نشان داده است در نظام های مدعی حقوق بشر و دمکراسی، هر جا که امنیت و رعایت نظم عمومی اقتضا کند، دولت ها چهره ی خشن تری از خودشان نشان می دهند این محدودیت ها در کشورهای دارای انتشار آزاد مطبوعات براساس نظام تنبیهی برای مرحله ی بعد از انتشار مطبوعات مطرح می گردند و در صورتی که روزنامه یا مجله ای با چاپ برخی مطالب از معیارها و ضوابط مشخصی که در این باره در قوانین اساسی یا عادی پیش بینی شده اند، تخطی کند، مورد تعقیب قرار می گیرد. لازم به ذکر است علاوه بر محدودیت های مندرج در قوانین اساسی یا قوانین عادی کشورها درباره ی آزادی مطبوعات، محدودیت هایی نیز در مواد

۱۹ و ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین در برخی دیگر از عهدنامه‌های بین‌المللی در این زمینه پیش‌بینی شده‌اند؛ که به سبب تعهد کشورهای امضاءکننده به رعایت آن‌ها، مانند قوانین اساسی و عادی داخلی، ضمانت اجراء دارند. محدودیت‌هایی که میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ اعمال کرده است عبارتند از: احترام حقوق یا حیثیت دیگران؛ حفظ امنیت، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی؛ ممنوعیت تبلیغ برای جنگ؛ ممنوعیت دعوت به کینه (تفرق ملی یا نژادی یا مذهبی) که محرک تبعیض، مخاصمه یا اعمال زور باشد.

در راستای عدم سوء استفاده از آزادی مطبوعات، محدودیتهایی بر آن وارد می‌آورند. عمدتاً در کشور ما، قواعد و محدودیتهای حقوقی مطبوعات از طریق مجلس شورای اسلامی با وضع قانون و در انگلستان از طریق قوانین اخلاقی وضع شده توسط کمیسیون شکایات مطبوعاتی، اعمال میشود؛ البته باید متذکر شد که این محدودیتها نباید بگونه‌ای باشد که به اساس آزادی مطبوعات صدمه وارد کند و آنرا از حالت دموکراتیک خارج کند؛ در حقیقت اولین تهدید برای این آزادی، اعمال سانسور و دومین آن، سوء استفاده از قواعد و چارچوبهای قانونی مطبوعات است. در ماده ۲۹ اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل بیان شده است که هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیتهایی است که بوسیله قانون معین میگردد که منحصرأ به منظور تامین، شناسایی و رعایت حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت صحیح مقتضیات اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است؛ حال بررسی میکنیم که این محدودیتها در نظام حقوقی ایران و انگلستان تا چه حدی میباشد. لازم به ذکر است که محدودیت‌های حقوقی، اعمال سانسور نیست و عمل اخیر در مطبوعات ایران و انگلستان مطابق آنچه بیان کردیم منع شده است.

اما محدودیتهای اجباری در انگلستان که بصورت تطبیقی با نظام حقوقی ایران بررسی می‌شود، به غیر از محدودیتهای کلی قانونی (مانند جرائم کیفری و مدنی)، عبارتند از:

۱- عدم قباحت بیان و افترا:

یکی از مهمترین محدودیتهای قانونی بر رسانه‌های بریتانیا این است که رسانه‌های مذکور نباید نسبت به اعتبار و شهرت شخص از طریق گزارش غیر منصفانه و غیر واقع صدمه بزنند. دادگاه‌ها در این مورد ملزم به تضمین حقوق فردی اشخاص و نیز تضمین آزادی بیان هستند و این مسئله غالباً در عمل بسیار پیچیده و مشکل‌می‌شود. در این زمینه آئین دادرسی کیفری

بسیار کم کاربرد است و بیشتر حقوق مدنی و آئین دادرسی مدنی مطرح می شود مانند افتراء که موجب مسئولیت مدنی رسانه خواهد شد البته تحت شرایطی می تواند مسئولیت کیفری هم بدنبال داشته باشد. رسانه ها بگونه ای بر اساس اصل امتیاز مطلق تنها می توانند گزارشات دقیق و منصفانه منتشر کند و بر اساس اصل "امتیاز مشروط" در صورت انتشار گزارش خاصی که شامل مضامین افتراء آمیز است اما بدون قصد سوء، حمایت می شود. لرد آتکین در تعریف افتراء چنین بیان نموده است: یک بیان افتراء آمیز، بیانی است که موجب هتک حیثیت، تحقیر یا تمسخر شخصی گردد و یا موجب هتک حرمت وی در جامعه شود. پارلمان انگلستان در جهت ممانعت از هرگونه بیان افتراء آمیز، قانون افتراء را تصویب نمود که البته بیشتر ناظر بر آیین دادرسی آن میباشد. ممنوعیت افتراء در مطبوعات بریتانیا را میتوان از محتوای قانون فعالیت مطبوعاتی برداشت نمود؛ ماده ۱ این قانون چنین مقرر میدارد: مطبوعات می بایست از هرگونه انتشار اطلاعات و یا عکس غیر واقع، منحرف کننده و یا تحریف شده اجتناب نمایند. ذکر قید ((غیر واقع)) به طور کلی نشانگر ممنوعیت صریح هرگونه نوشته افتراء آمیز است.

در ایران نیز در این زمینه، مطابق قانون اساسی و قانون مطبوعات، موارد زیر ممنوع شده است: الف) هرگونه تعرض به حیثیت و حقوق اشخاص ب) (اضرار به غیر ج) عملکرد مطبوعاتی در جهت اخلال در مبانی اسلامی یا حقوق عمومید) هرگونه مطالب در جهت اشاعه فحشا و منکرات و انتشار عکس ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ه) افتراء به مقامات، نهادها، ارگانها و هریک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتورو) استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوا، تحقیر و توهین به جنس زن ز) انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افتراء یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبتهای توهین آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص خ) انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد.

۲- محدودیات راجع به کودکان

به دلیل حساسیت دوران کودکی و پرورش فکری آنها برای ایجاد آینده ای روشن برای جامعه، نظامهای حقوقی غالباً نسبت به این قشر جامعه، قوانین و قواعد خاصی را مقرر میکنند که مطبوعات نیز از این قاعده مستثنی نیست. مطابق قانون عملکرد مطبوعاتی بریتانیا ((کودکان زیر ۱۶ سال نباید بدون اذن ولی مورد مصاحبه یا عکسبرداری قرار گیرند)) و همچنین ((مطبوعات نبایستی حتی اگر از لحاظ قانونی آزاد باشند، هویت کودکان زیر ۱۶ سال را که قربانی یا شاهد موارد جنایات جنسی هستند، مشخص نمایند.))

در ایران نیز قانونی تحت عنوان قانون حمایت از کودک و نوجوان، مشتمل بر ۹ ماده در سال ۱۳۸۱ تصویب شد که ممنوعیت استفاده از کودکان در اعمال خلاف قانون (از جمله پرنوگرافی) نیز در آن تصریح شده است.

۳- محدودیت های انتشار (یا محدودیت های بنیادین یا ممنوعیت های انتشار):

مهمترین محدودیتهای خاصی که برای فعالیت مطبوعاتی بریتانیا اعمال میشود عبارتند از: احترام به حریم خصوصی، زندگی خانوادگی، خانه، بهداشت و مکاتبات. مطبوعات در حالیکه از هرگونه تعصب و طرفداری بدور است، می بایست بطور واضح مسائل نظری، حدسی و حقیقی را از هم تمیز دهد. روزنامه نگاران می بایست با رضایت اشخاص و بصورت عادلانه در زندگی خصوصی آنان دخالت کنند. عکسبرداری از اشخاص در حوزه خصوصی بدون رضایت آنان مجاز نیست. روزنامه نگاران نباید موجب ارباب، آزار، و یا تعقیب مداوم اشخاص شوند. زمانی که گزارش از خودکشی منتشر می شود، می بایست از بیان جزئیات بیش از حد روش مورد استفاده آن خودداری شود. دوستان و آشنایان اشخاص محکوم یا متهم به جرائم نمی بایست بدون رضایت بطور کلی تعیین هویت شوند مگر اینکه آنها بطور واقع دخیل در وقوع جرم باشند. مطبوعات نباید اطلاعاتی را از طریق دوربین ها و یا وسایل استراق سمع مخفیانه بدست آورده و یا انتشار نمایند... این حکم در مورد انتشار اطلاعات خصوصی اشخاص هم جاری است. مطبوعات می بایست از هرگونه تعیین هویت قربانیان تجاوز جنسی یا مسائلی از این قبیل خودداری نمایند مگر برای انجام چنین عملی توجیه کافی داشته و یا قانونا مجاز به این کار باشند. مطبوعات می بایست از انتشار هرگونه مطالب تبعیض آمیز و یا تحقیرآمیز راجع به نژاد، رنگ، مذهب، جنسیت، گرایش جنسی و یا هرگونه بیماری فیزیکی و روانی یا معلولیت افراد اجتناب نمایند. روزنامه نگاران نباید از اطلاعات مالی برای منابع شخصی خود استفاده کنند و یا در اختیار دیگران (برای منافع خاص شخصی آنان یا خود) قرار دهند حتی اگر قانون انجام چنین عملی را منع نکرده باشد. کلیه روزنامه نگاران نسبت به محافظت از اطلاعات محرمانه تعهد اخلاقی دارند. البته مطابق اصل تقدم منافع عمومی جامعه بر منافع شخصی افراد، در کلیه موارد مذکور در قبل بغیر از مواد (راجع به ممنوعیت انتشار مطالب غیر واقع)، (ممنوعیت انتشار جزئیات خودکشی)، (منع تعیین هویت قربانیان تجاوز جنسی)، (منع انتشار مطالب تبعیض آمیز و تحقیرآمیز، منع استفاده شخصی از اطلاعات مالی) و (عدم انتشار اطلاعات محرمانه)، موارد زیر

بعنوان منافع عمومی (The public interest) استثناء میگردد:

- ۱- کشف یا افشای جرائم یا تخلفات جدی
 - ۲- حمایت از امنیت و بهداشت عمومی
 - ۳- ممانعت از انحراف عموم بدلیل عملکرد یا بیانات یک شخص یا سازمان
- در نظام حقوقی ایران، عمده محدودیت های بنیادین در ماده ۶ قانون مطبوعات آمده است. مطابق این ماده نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند، ممنوع است مگر نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به منظور تحقیق، نقد و رد مطالب؛ همچنین مطابق ماده ۶ قانون مطبوعات موارد زیر ممنوع گشته است:
- هرگونه تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر، ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی، تحریص و تشویق افراد و گروه ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت و حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج، فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسایل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحکامات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی، اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید، پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران، انتشار مطلب علیه اصول قانون اساسی. در ایران مطابق بند ۸ ماده ۶ و همچنین ماده ۳۰ قانون مطبوعات، افترا به مقامات، نهادها، ارگانها و هریک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد، ممنوع است؛ نشر اکاذیب هم مطابق بند ۱۱ ماده ۶ قانون مطبوعات، ممنوع گشته است و موجب مسئولیت فرد خاطی خواهد بود؛ علاوه بر این درج مشخصات دقیق نشریه در هر سری الزامی است و انتشار نشریه بدون ذکر نام صاحب امتیاز، مدیر مسئول و نشانی اداره نشریه ممنوع و جرم محسوب می شود.

۴- رعایت کپی رایت یا حق انتشار:

در نظام حقوقی انگلستان، کپی رایت با تصویب قانون حق انتشار، طراحی و اختراع، تضمین شد؛ که مطابق ماده ۱ آن، آثار چاپی و ادبی تحت حمایت این قانون است. مطابق قانون حق انتشار، طراحی و اختراع، هرگونه کپی برداری و انتشار اثر متعلق به صاحب اثر است و در مواد ۱۷ الی ۲۷ این قانون، هرگونه تخلف از این قاعده از جمله انتشار و کپی اثر بدون اذن صاحب اثر،

ممنوع شده است و تحت عنوان تخلف از حق انتشار مقرر گشته است. بنابراین مطبوعات بریتانیا در صورت عدم رعایت حق انتشار، متخلف محسوب شده و مسئول خواهند بود. مطابق بند نهم ماده ۶ قانون مطبوعات ایران، سرقت‌های ادبی ممنوع است که در تبصره این ماده تصریح میکند که سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر، ولو بصورت ترجمه، علاوه بر این در ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی این قانون بیان شده است که: تکثیر مطبوعات موجود به همان زبان و شکلی که چاپ شده، از طریق چاپ افست یا عکسبرداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب امتیاز ممنوع می‌باشد. اما در زمینه حق انتشار یا کپی رایت در ایران قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸ (در سال ۱۳۸۹ اصلاح شده است) در جهت حمایت از کپی رایت وضع شده است که مطابق آن حقوق پدیدآورنده، شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر او است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

- حقوق و آزادی های عمومی در بادی امر، غالباً در قانون اساسی به رسمیت شناخته میشوند. همانطور که ملاحظه شد حقوق مطبوعات، در قانون اساسی ایران (اصل ۱۲۴) تضمین شده و قانون و آیین نامه خاصی هم برای این منظور توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شده است که چارچوبهای حقوقی حاکم بر این آزادی و حدود آنرا مشخص مینماید. در انگلستان بدلیل عدم وجود قانون اساسی نوشته و برتری کنواسیون اروپایی حقوق بشر نسبت به قوانین داخلی بریتانیا، ماده ۱۰ کنوانسیون مذکور، مبنای تضمین آزادی مطبوعات قرار گرفته است و جهت تعیین چارچوبهای عملکرد مطبوعاتی و قواعد حاکم بر آن، قانون عملکرد مطبوعاتی را وضع نموده اند که این قانون بوسیله کمیسیون شکایات مطبوعاتی وضع شده است که کمیسیون مذکور، یک نهاد تاسیس یافته اختیاری توسط مهمترین نهادهای مطبوعاتی انگلستان میباشد؛ بنابراین آزادی مطبوعات در ایران بواسطه سند قانونی داخلی و در بریتانیا از طریق یک سند بین المللی تضمین شده است. قوانین مطبوعاتی ایران جنبه الزامی دارد اما این مهم در نظام حقوقی انگلستان علارغم الزام آور بودن، مبنای اختیاری داشته است به همین منظور اکثر حقوقدانان کامن لا، معتقد به محدودیت اختیاری یا خودمحدودیتی مطبوعات در بریتانیا، میباشند.

- داشتن مجوز انتشار و نداشتن محرومیت حقوقی اجتماعی از الزامات اولیه مطبوعات در نظام حقوقی ایران (مطابق قانون) می باشد و این در حالی است که این نوع الزام از نظام حقوقی مطبوعات انگلستان حذف شده است؛ در ایران داشتن اهلیت قانونی نیز برای انتشار الزامی است که در انگلستان چنین امری الزامی نیست اما به هر حال قواعد حقوقی پراکنده ای در قوانین بریتانیا وجود دارد که مجوزهایی را برای بعضی فعالیتهای مطبوعاتی الزامی کرده است برای مثال مجوز دخالت در حوزه خصوصی نهادها برای تهیه گزارش و امثال آن.

- قانون مطبوعات ایران برای مطبوعات و عدم خروج آن از حدود قانونی و سوء استفاده از این آزادی، اهدافی مشخص کرده اما چنین اهدافی صراحتاً در نظام حقوقی بریتانیا وجود ندارد و تنها به همان حقوق مطبوعاتی بسنده شده است که البته همین امر موجب فساد این آزادی در مطبوعات بریتانیا میشود؛ گاهی مطبوعات بریتانیا از حدود حقوق و آزادی های عمومی تخطی کرده و حتی در بعضی جهات مطالبی را انتشار میکنند که علاوه بر تضرر به منافع اشخاص و جوامع، هیچگونه وجاهت اخلاقی ندارد. هدفمند سازی فعالیتهای مطبوعاتی آنرا در راستای اخلاق و حقوق عمومی قرار میدهد و مانع تخطی از حدود اهداف مقرر میگردد.

- نظام حقوقی ایران مطابق قانون، هرگونه نظر و انتقاد " سازنده " و " با رعایت موازین

اسلامی " را مجاز دانسته اما در انگلستان نظرات و انتقادات آزاد است به شرط عدم تضرر به حقوق دیگران و همچنین مطبوعات در حالیکه از هرگونه تعصب و طرفداری بدور است، می بایست بطور واضح مسائل نظری، حدسی و حقیقی را از هم تمیز دهد .

- خود محدودیتی در ایران از لحاظ عملی بیشتر در قالب ویراستارهای هر نشریه و التزام عملی کارکنان متدین مانمود پیدا می کند و در قالب قانون هم بیشتر به شکل منشور اخلاقی استخدامی (مانند آنچه در قانون مدیریت خدمات کشوری است) می باشد و در انگلستان همانطور که ذکر شد، بصورت قانون عملکرد مطبوعاتی پذیرفته شده می باشد که منشا اختیاری دارد .

- در ایران نوشتارهای جنسی و قبیح مطلقاً ممنوع است اما در انگلستان این ممنوعیت مطلق نیست و بسیاری از مضامین قبیح و جنسی، دارای مجوز قانونی است و غالباً حدود آن مطابق چارچوبهای پذیرفته شده حقوق بشری است و بعضی از ممنوعیت های موجود در این زمینه در قانون عملکرد مطبوعاتی آمده است که مهمترین آن ها به مسایل جنسی کودکان و قربانیان جنسی بازمیگردد.

- در هر نظام حقوقی محدودیت های انتشار (علاوه بر محدودیت های کلی در قوانین دیگر) وجود دارد، که اهم آنها در ایران و انگلستان مطابق قانون، به شرح ذیر میباشد :
در ایران نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلام ممنوعیت تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر و ممنوعیت اهانت به دین، ایجاد اختلاف میان اقشار جامعه، انتشار مطالب علیه اصول قانون اساسی، و تحریص به ارتکاب اعمال علیه امنیت و حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران مطابق قانون ممنوع است؛ بطور مشابه در انگلستان، انتشار هرگونه مطالب تبعیض آمیز و یا تحقیرآمیز راجع به نژاد، رنگ، مذهب، جنسیت بر اساس قانون ممنوع است اما انتشار مطالب مخالف نظام حکومتی بریتانیا منعی وجود ندارد ولی به هر حال مطبوعات انگلستان بایستی از هرگونه تعصب و طرفداری خودداری کرده و در آثار خود، بطور واضح مسائل نظری، حدسی و حقیقی را کاملاً تمیز دهند .

انتشار اسناد محرمانه در مطبوعات ایران ممنوع است و در بریتانیا کلیه روزنامه نگاران نسبت به محافظت از اطلاعات محرمانه تعهد اخلاقی دارند و این موضوع کمتر ضمانت قانونی دارد چراکه در نظام حقوقی کامن لا به جهت سیاست شفافیت، کلیه اسناد باید در دسترس افراد باشد مگر مسایل شخصی و خصوصی افراد ؛ اما به هر حال در هر دو نظام حقوقی قانونی خاص برای دسترسی و انتشار اطلاعات وضع شده که محدودیتهایی را در این زمینه اعمال کرده است .

اهانت به رئیس کشور (مقام رهبری) و مراجع تقلید و البته هر شخص دیگر و

همچنین هرگونه افترا و نشر اکاذیب در ایران قانوناً ممنوع است؛ که این موارد در قوانین مدنی و کیفری بریتانیا نیز مطلقاً منع شده است.

همچنین در ایران، درج مشخصات دقیق نشریه در هر سری انتشار، الزامی است ولی چنین الزامی در مطبوعات انگلستان وجود ندارد ولی غالباً بطور اختیاری و عرفی این عمل در مطبوعات بریتانیا رعایت میشود.

احترام به حریم خصوصی اشخاص، عکسبرداری و دخالت در زندگی خصوصی افراد با رضایت آنان و بصورت عادلانه، خودداری از ارباب و آزار اشخاص، از دیگر محدودیتهای مطبوعات بریتانیا میباشد که رعایت این موارد مطابق قانون اساسی و قوانین دیگر ایران نیز الزامی است.

در بریتانیا مطابق قانون، زمانی که گزارش از خودکشی منتشر می شود، می بایست از بیان جزئیات بیش از حد روش مورد استفاده آن خودداری شود اما در مطبوعات ایران چنین امری پیش بینی نشده اما شمول کلی اصل ۱۲۴، بیان جزئیات حوادث خودکشی و موارد مشابه را در مواردی که موجب ضرر به حقوق عمومی شود، منع میکند.

انتشار مسایل جنسی و قبیح در مطبوعات ایران مطلقاً ممنوع است اما در نظام حقوقی انگلستان تنها به ممنوعیت انتشار مسایل جنسی کودکان و تعیین هویت قربانیان جنسی بسنده شده است و از این نظر، نظام حقوقی حاکم بر مطبوعات انگلستان اخلاقی نمیباشد. - هر نوع نوشتار مضر برای قشر کودکان در ایران و انگلستان بر اساس قانون، مطلقاً ممنوع است. - در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان حق انتشار به رسمیت شناخته شده به نحوی که در ایران هرگونه سرقت ادبی مطابق قانون ممنوع میباشد و در انگلستان نیز رعایت کپی رایت بر اساس قانون الزامی است و در هر دو نظام حقوقی، قانون خاصی برای این منظور وضع شده است.

منابع

فارسی :

اسناد قانونی:

- قانون اساسی ۱۳۶۸.
 - قانون مطبوعات ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی.
 - آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات ۱۳۶۴.
 - قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷.
- کتاب و مقالات :**
- بلیک، رید و همکاران؛ *طبقه‌بندی مفاهیم در ارتباطات*، مسعود اوحدی، تهران، سروش، ۱۳۷۸، چاپ اول .
 - معتمدنژاد، کاظم و دیگران، *حقوق ارتباطات*، ص ۱۵۶ و ۱۵۷ و معتمدنژاد، کاظم؛ *حقوق مطبوعات*.
 - انصاری، باقر؛ *حقوق ارتباط جمعی*، تهران، سمت، ۱۳۸۶، چاپ اول.
 - وند نوروز جواد، *آزادی مطبوعات از دیدگاه امام خمینی* (ره).
 - صحیفه نور، امام خمینی (ره).
 - عیدی نجف آبادی محمد، *گفتاری در باب آزادی مطبوعات*، مجله علوم انسانی ویژه نامه جشنواره مطبوعات، ۱۳۷۹.
 - طباطبایی موتمنی، منوچهر؛ *آزادی های عمومی و حقوق بشر*، انتشارات دانشگاه تهران؛ تهران، ۱۳۸۳ .
 - معتمد نژاد کاظم، ارکان *حقوقی آزادی مطبوعات*، *مجله اطلاع رسانی و کتابداری*، ۱۳۷۷، ش ۳۴.
 - میا دورتارت، *آزادی بیان و مطبوعات یک حق انسانی است*، *مجله اطلاع رسانی و*

۱۰۵

فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

دکتر احمد مومنی راد و همکار
مفاتیح تطبیقی محدودیتهای حاکمبر آزادی مطبوعات در نظام حقوقی ایران و انگلستان

کتابداری، ۱۳۸۰، ش ۴۵ .

نشر موسسه چاپ و نشر عروج، چاپ دوازدهم.

- دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری (۱۳۷۳)، **جایگاه زن در قانون**، تهران، نشر دفتر

امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، چاپ اول.

- دولت شاه، حجت (۱۳۸۷)، **منشور سازمان ملل متحد**، تهران، انتشارات مجد، چاپ چهارم.

- السامرایبی، سلمی (بی تا)، **ممنوعیت حجاب و پوشیه، حمله به حقوق زنان و جوامع**

سکولار است، ترجمه جواد طاهری، سیاحت غرب، ش ۱۱۵.

لاتین :

اسناد قانونی :

- The Licensing of the Press Act 1662
- The Defamation Act 1996.
- Code of Practice Act , 2010.
- Human Rights Act 1998.
- European convention on human rights , 1953.
- Freedom of information Act , 2000.
- the contempt of court act 1981.
- Copyrights , designs and patents Act 1988 .

کتاب و مقالات :

- Ann_sophie novel , **press freedom & poverty** , unesco , july 2006.
- Perry Keller , **Media Law in Britain** , Britain society publications media , 2011 , p.1.
- Hilton Hotel , **United Kingdom, Freedom of Expression and Contempt of Court** , 2000 .
- Henry cohen , **freedom of speech & press** , CRS , 2009 .
- Jane kirtley , **media law handbook , bureau of international information programs** , 2010.
- Lyman Ray Patterson, **Copyright And 'The Exclusive Right' Of Authors Journal of Intellectual Property**, Vol. 1, No.1 .1999.
- Reynatos.puno , **freedom of press : A touch stone of democracy** .

۱۰۶

دوفصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

سال دوم، شماره پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲